

سرپنجه عشق

تألیف :

سید رسول حجازی

با راهنمایی و مساعدت شاعر و نویسنده معاصر :

مصطفی مهدوی (شهر اصفهانی)



انتشارات پویان مهر

۰۳۱ ۳۲۶۴۱۹۶۰

سرشناسه	حجازی ، سید رسول : ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدہ آور	سرپنجه عشق / مولف : سید رسول حجازی
مشخصات نشر	اصفهان - پویان مهر ، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری اصفهان	۵۱ ص : ۵/۲۱×۵/۱۴ س ۴
شابک	۹۷۸۶۰۰۸۰۳۳۰۶۶ - ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرت نویسی	فپا
موضوع	عشق - کلمات قصار
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ح ۳ ۶ / ۶۵ ، ۶ PN
رده بندی دیویی	۸۰/۸۸۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۱۲۵۰۷

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب :

سرپنجه عشق

تالیف: سید رسول حجازی

ناشر: پویان مهر

نوبت چاپ اول : زمستان ۱۳۹۴

تیراژ ۱۰۰۰

تعداد صفحات ۵۱ ص

قیمت ۴۰۰۰ تومان

لیتوگرافی : آسمان

چاپ : ونوس

صحافی : سپاهان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۳-۰۶-۶

حرف دل

گاه در ماوراء مفاهیم و واژه های پیش روخوانده ، حروف و کلمات بظاهر مجردی را که دارای کد و رمز مفهوم دارند را می بینیم که در آن تعمق بیشتری باید نمود.

حروف و کلمات ثقیلی که در هسته وجودی خود حکمت های پنهانی که آدمی را مات و مبهوت راز و رمز خود می کند و ... انداخته و می دارد.

عشق از جمله کلمات پیر راز و رمزی است که قصه درازی از بدو خلقت تا حال و تا ابد داشته و دارد.

قصه عشق ، که به حق چشمه لایتناهی است ، نیزال الهی از ازل در بستر خروشان و پاک حیات جاری گشته ای که

سرشت و فطرت بشری را بسوی کمال هادی و مرشد
بوده است.

هدایتی که از ذرات زرّین وجود معشوق در وجود عاشق
رسوب و به دل شیدا ته نشین می ماند و به یادگار ،
ماندگار نقش می بندد.

این است که می گوئیم:

عشق، لازم حیات آدمی است.

س. رسول بهمن ۱۳۹۴

فهرست

۶	حرف دل
۸	فهرست
۱۰	پیشگفتار
۱۷	تعر
۱۸	مقدمه
۲۰	کلمه عشق
۲۲	حال و شور عاشقی
۲۴	دیدن عشق
۲۶	سلام ای عشق
۲۸	قسم به عشق
۳۰	انتظار عاشقانه
۳۲	پیک عشق

۳۶	قبیله عشق
۳۸	سوار بر مرکب عشق
۴۰	سوگند به عشق
۴۲	سکوت عشق
۴۴	جزیره عشق
۴۶	معجون عشق
۴۸	به دیار عشق مانده
۵۰	لحظه های بی امتداد عشق

پیشگفتار :

از جناب آقای مصطفی هادوی (شهیر اصفهانی) شاعر و نویسنده معاصر و مسئول انجمن ادبی حافظ و خانه هنرمندان اصفهان که با مساعدت و راهنمایی مشوق اینجانب بودند ، بسیار سپاسگزارم .

می خزانیم از ایشان نصایح و تذکرات لازم ادامه راهی را که در پیش گرفته ایم .

بنام آنکه جمیل است و دوست دارد جمال (ان الله جمیل و یحب الجمال)

و به یاد آنکه نیروی لایزال شوق را پایه و اساس رفتن به

سوی کمال قرار داد و همه عناصر عالم را بر اساس علت و

معلول و سبب و مسبب و حرکت و محرک و تدبیر مؤثر با

حکمت و مشیت کامله پدید آورد و (لا مؤثر فی الوجود الا الله)

و این عشق است که شور و حالی در نهاد عالم و آدم نهاد.
روح پدرم شاد که می گفت به استاد :

« فرزند مرا عشق بیاموز دگر هیچ »

و به عشق کن دل خود زنده کز نسیم اجل ، چراغ زنده دلی
برقرار می ماند و روزی که تو بی عشق به سر خواهی برد ،
ضایع تر از آن روز تو را روزی نیست ، مجموعه ای که تحت
عنوان « سرین به عشق » اثر آقای سید رسول حجازی^۱
تقدیم صاحب نظران می گردد ، با موضوع زندگی ساز و حیات
بخش ، « عشق » تدوین شده و مفهوم عشق متعالی را که
همان رسیدن به مقام قرب الهی است توجیه و تبیین نموده
است . چنانکه شعرای پارسی زبان تا امروز بدرار هشتصد

^۱ شعر منشور : شعری غیر منظم که در غالب زبان گفتار به بیان حقیقت می پردازد .

هزار مضمون تازه برای عشق آفریده اند و با عشق زندگی
کرده اند زیرا :

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت

در بند آن مباش که مضمون نمانده است

روزی که تو بی عشق به سر خواهی برد

ضایع تر از آن روز تو را روزی نیست

ای وای بر آن دل که در آن سوزی نیست

سودا ده مهر دل افروزی نیست .

و بقول حافظ :

عاشق شو ارنه روزی کار جهان سر آید

ناخوانده درس مقصود درگاه هستی

همه نواغ عالم اول عاشق بوده‌اند و نیروی لایزال عشق آنها
را به نبوغ رسانیده چنانکه سعدی هم به این مطلب اشاره
کرده :

همه قبیله من عالمان دین بودند

مرا معلم عشق تو شاعری آموخت

اما شقی که مورد نظر مؤلف این مجموعه است عشق الهی
است نه عشق های رنگی بقول مولوی :

عشقهایی کز پی رنگی بود

عشق بود عاقبت ننگی بود

چنانکه :

عشق از اول سرکش خونی بود

تا گریزد هرکه بیرونی بود

بنابراین :

مذهب عاشق ز مذهبها جداست

عاشقان را مذهب و ملت خداست

کلمه عشق از عَشَقه گرفته شده است . عَشَقه گیاهی است
ربوده در که اگر به پای بیچد دیگر از پا جدا نمی شود . به
همین دلیل است که عشق در خون انسان جریان پیدا
می کند و این جریان آنقدر شدید می شود که عاشق غرق در
معشوق می گردد. همچون قطره ای که به دریا متصل گردد
و آنگاه قطره عین دریا می شود .

و به قول علامه طباطبایی :

تو میندار که مجنون سر خود مجنون گشت

از سَمک تا به سُهائش کشش نیلا برد

مرادف واژه عشق محبت است . چنانکه :

یارب چه چشمه ای است محبت که من از آن ، یک قطره آب
خوردم و دریا گریستم .

عشق متعالی همان محبت شدید است که در دل عاشق
جوش می خورد . چراکه :

در ره منزل لیلی که خطرهایست بسی
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی
مجنون تو که را بر سحران شناخت
دیوانه عشق تو سر از پا نشناخت
حماسه های بزرگ تاریخ زندگی بشر ، پیشرفت‌ها و ترقیات و
پیروزیها همه در پرتو عشق متعالی به وجود آمده است .
چنانکه :

عاشقان کشتگان معشوقند ، برنیاید ز کشتگان نسی

حاصل کلام :

مجموعه آقای سید رسول حجازی با حجم کم ، از عشقی
صحبت کرده که به بلندای قامت هستی وسعت دارد . چراکه،
جهان جز عشق محرابی ندارد .

و استاد کائنات که این کارخانه ساخت، مقصود عشق بود
جان را بهانه ساخت. تو اگر بازکنی پنجره را من نشان
خواهم داد زیبایی را ، امپراطوری پروسعت خویش و تو را
خواهم بردم به سر رود خروشان حیات و تو را خواهم گفت :
زندگی زیباست

این اثر مختصر ایشان بسیار درانقد و قابل تجلیل و تمجید
است . توفیق و موفقیت این شاعر و نویسنده عشق آفرین را
از خداوند بزرگ مسئلت می نمایم .

اصفهان - بهمن ماه ۱۳۹۴

مصطفی هادوی (شهیر اصفهانی)

مقدمه :

به یاد آرام دلان عاشق و سروران سینه صادق داشته پاک
سرشتی که در تاریکی شبهای عالم ماده ، به رندی رهایی از
تعلقات و طلب شیدائی دل را از یار نمودند . و به همت
کوشیدند تا به وارستگی برسند .

همانانی که در سحرگاهان بشارت و درک معرفت حق، دل به
در زدند و غرق در ژرفای خود را گم کردن ، به اوج رسیدند.
همانانی که به وصال و همجواری رسیدن ، غایت
آرزوهایشان بود .

همان توانستند آسایش و آرامش به حق پیوسته ای که آبادانی
دیارشان و سعادت عزیزان را خرج آبادانی و عزت ملتشان
نمودند .

همان یاران مست و بی پروایی که به اذن خدا در صف های
فشرده دل به یار سپرده ، ترک راحتی را آسایش نمودند و با
صبوری به میل و اراده در بلایا و مصائب دریشان در آزمون
ادعاهایشان پای به میدان گذاشتند .

و از چابکسواران به سرپنجه عشق جان گرفته ای شدند که
به یک خیز و همت عاشقانه در بی امتدادی لحظه‌ها به یار
رسیدند^۱.

همان چشم دلان روشنی که باده مستی و بی پروایی را چون
سرکشیدند، سبک بال، بار امانت تکلیف را تا سرمنزل
مقصود به سلامت و شوق دوش کشیدند.

و عاقبت چه نیکو به مشیت رقم خورد حال دردکشانی که
بجد رسیدند تا:

دل را از خیر تهی و با دم و راه دوست
هم نوا، همراه شوند.

سبک رسول بهمن ۱۳۹۴

^۱ اهل دلی که ۳۴۵ روز در ۸ سال دفاع مقدس به میل در محاصره دیارشان ماندند و در امتداد
لحظه‌های پیش رو آمده مشق رندی آموختند.